

ارتباط سرمایه انسانی و جانشین پروری با نقش میانجی سرمایه فکری در مدیریت توسعه پایدار اقتصادی

علی حکمت

دانشجو کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار دانشگاه تهران، اصفهان

Email: Hekmat.ali@ut.ac.ir

چکیده

امروزه سازمان ها به خوبی دریافته اند که به منظور موفقیت در اقتصاد پیچیده جهانی و نیز ماندگاری در محیط رقابتی کسب و کار، به داشتن بهترین استعدادها نیاز دارند. همراه با درک نیاز به استخدام، توسعه و نگهداشت استعدادها، سازمان ها دریافته اند که استعدادها، منابعی بحرانی هستند که برای دستیابی به بهترین نتیجه ها، نیازمند مدیریت می باشند. در سال های اخیر در سازمان های ایرانی، بحث پرورش و توسعه نیروی انسانی در قالب های گوناگونی، نظیر شناسایی و پرورش استعدادها، جانشین پروری، مدیران آینده، مدیران سایه و ... مورد نظر قرار گرفته است. در همین زمینه انجام مطالعات و پژوهش های گوناگون کسب دارائی و بکارگیری تجربه های موفق سازمان های توسعه یافته از اهمیت به سزایی برخوردار است. تقاضای رو به افزایش کارفرمایان برای جذب نیروهای ماهر از سویی و تمایل کارکنان برای تصاحب و در اختیار گرفتن مشاغل با ارزش از سویی دیگر، باعث شده است که نبرد و مبارزه ای شکل بگیرد که باید آن را جنگ استعدادها بنامیم. در این نبرد، سازمان های موفق تلاش می نمایند که با بکارگیری رویه ها، برنامه ها و راهبردهای مناسب بتوانند استعدادهایی را که برای تداوم حیات شان ضروری هستند، جذب، توسعه و نگهداری نمایند. به این منظور، سازمان ها باید بدانند با چه نیازهایی در حال حاضر و در آینده رو به رو هستند تا بتوانند طبق آن، استعدادهای بالقوه و بالفعل را از میان کارکنان شناسایی کنند و به عبارت دیگر قادر باشند بر استعدادها مدیریت کنند.

کلمات کلیدی: سرمایه انسانی، توسعه پایدار، جانشین پروری، مدیریت توسعه، سرمایه فکری

مقدمه

توسعه پایدار در زمینه افزایش جمعیت و مصرف منابع اقتصادی یک مدل توسعه‌ای با هدف توازن بین رشدهای اقتصادی، کیفیت زندگی و حفاظت میان مدت و طولانی مدت محیط زیست بدون افزایش مصرف منابع اقتصادی فراتر از ظرفیت زمین است. مشکلات عمیق جهانی همچون نقصان منابع اقتصادی، خسارت به محیط اقتصادی، بحران‌های مالی و اقتصادی مکرر و افزایش مصرف به تغییر الگوی توسعه از مصرف به توسعه پایدار و شناسایی رشته اقدامات جدید یعنی رشد سبز منجر شدند. این مقاله راه‌هایی را برای خلق رفاه اقتصادی با ارائه محیط‌گردابی که در آن سازمان‌ها تغییر می‌کنند مطرح می‌کند. توسعه پایدار فرآیندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد. توسعه پایدار راه‌حلی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع اقتصادی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. توسعه پایدار فرآیندی است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ بر آن تأکید شد جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با نسل‌های آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی محسوب می‌شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرایند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد. توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفاظت از یگانگی اکولوژیکی. از این رو، تمرکز توسعه پایدار بسیار گسترده‌تر است. این همچنین در مورد اطمینان از یک جامعه قوی، سالم و عادلانه می‌باشد. این به معنای رفع نیازهای متنوع همه افراد در جوامع موجود و آینده، ارتقای رفاه شخصی، انسجام و شمول اجتماعی، و ایجاد فرصت‌های برابر است (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱).

توسعه پایدار یک تغییر مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر است. این مسئله با دیدگاه دو سده گذشته انسان که بر پایه جدایی موضوعات اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود در تضاد است. در دو سده گذشته، این تصور حاکم بود که به‌طور عمده به عنوان یک عامل خارجی و تنها برای استفاده و استثمار انسان در نظر گرفته می‌شد. در این دیدگاه، ارتباط انسان و اقتصاد، به صورت غلبه انسان بر طبیعت بوده و بر این باور استوار بود که دانش و فناوری بشر می‌تواند بر تمام موانع برتری یابد. این دیدگاه مرتبط با توسعه سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی و علم مدرن می‌باشد. همان‌طور که بیکن یکی از پایه‌گذاران علم مدرن، آن را مطرح می‌کند: جهان برای بشر ساخته می‌شود و نه بشر برای جهان. دیدگاه مدیریت بر پایه مدیریت منابع اقتصادی بود که

تصدیق می‌کرد، بشر نیاز به منابع اقتصادی دارد و این منابع می‌بایست به جای استفاده سریع و بدون برنامه، به درستی مدیریت شوند تا حداکثر استفاده از آن‌ها طی سالیان طولانی میسر گردد.

توسعه پایدار فرآیندی است برای بدست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. توسعه پایدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه یافته، سعی در تحصیل توسعه مستمر، ورای توسعه اقتصادی دارد (تودارو، ۱۳۷۸).

بیان مسأله

سرمایه انسانی در واقع مکمل سرمایه فیزیکی است و موجب می‌شود تا از سرمایه‌های فیزیکی به صورت مناسب تری بهره برداری شود. تجربه کشورهای پیشرفته و مطالعات مختلف در زمینه رشد اقتصادی کشورها در طول زمان و یا در میان کشورها، نشان داده است که توضیح نرخ رشد اقتصادی کشورها تنها از طریق عوامل مرسوم، مانند سرمایه و نیروی کار نتایج دقیقی به همراه نداشته و سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر اصلی بایستی وارد مدل‌های رشد شود. رشد اقتصادی تنها بستگی به اندازه و میزان نیروی انسانی ندارد؛ بلکه به کارایی آن نیز بستگی دارد. چنانچه نیروی کار از تحصیلات بیش تری برخوردار باشد، تحرک نیروی کار و نرخ اشتغال بیش تر خواهد شد. هر قدر نیروی کار از آموزش بیش تری بهره جوید و هر قدر که این آموزش مفیدتر باشد، بهبود کیفیت نیروی کار در افزایش میزان تولید تأثیر بیشتری خواهد داشت (طیبه و دیگران، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر به سرمایه انسانی و اعتلای کیفیت نیروی کار به عنوان یکی از زمینه‌ها و راه‌های اصلی و اساسی افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی پرداخته شده است. در بررسی‌های اقتصادی می‌توان گفت که سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً اقتصادی است. در واقع، خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه است، زیرا این خصوصیت می‌تواند باعث بهره‌وری و تولید بیشتر و ایجاد درآمد و رفاه بیشتر شود. حال هر چه کشوری از امکانات گسترده تری جهت کاهش هزینه‌های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن کشور بیشتر خواهد بود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی می‌باشد و با پیچیده تر شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی‌رود، لذا کشورهایی در جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری موفق تر هستند که از نیروی کار آموزش دیده برخوردار هستند.

مبانی نظری

مراجعه به ادبیات موجود، ما را با تعاریف بسیاری از توسعه پایدار مواجه می‌سازد. هر یک از این تعاریف، بر جهتی از توسعه پایدار تأکید بیشتری کرده است؛ البته وجود دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه نیز سبب شده است برخی از تعاریف با هم مغایر باشند؛

برای مثال از دیدگاه اقتصاد محوری، اکولوژیست‌های بسیار متعصب با سیاست‌های توسعه که براساس استفاده پایدار از مواهب طبیعی باشد مخالفند. از دید آن‌ها فقط راهبردی که با حداقل توسعه همراه باشد، از لحاظ اخلاقی قابل حمایت است. برخلاف آن‌ها در دیدگاه فن‌محوری، سایر تحلیلگران معتقدند که مفهوم پایداری سهم اندکی در نظریه و خط مشی اقتصاد فعلی ایفا می‌کند. از دیدگاه جهانی، حفظ راهبرد رشد پایدار در دراز مدت فقط به صرف هزینه کافی بستگی دارد.

کمیت توسعه پایدار سازمان ملل نیز تعریف خود را اینگونه ارائه می‌دهد:

افزایش پایدار در تولید و مصرف کالاها و خدماتی که به نیازهای اولیه مربوط بوده، کیفیت زندگی را ارتقاء می‌دهند. این کار باید همزمان با کاهش بهره‌برداری از منابع اقتصادی در چرخه زندگی باشد تا نیازهای نسل‌های آینده را دچار مخاطره نسازد.

سولو این تعریف را برای پایداری به صورت تعهد جهت حفظ منافع جهانی تعریفی روان ولی غیرممکن می‌داند؛ به همین جهت برخی تعریف پیشین را تعدیل کرده، و پایداری را حفظ فرصت‌ها برای نسل آینده دانسته‌اند (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱).

برخی از تعاریف نیز بر چگونگی استفاده از منابع اقتصادی اشاره کرده، و بر حفظ ذخایر آن منابع یا درآمد پایدار آنان تأکید ورزیده‌اند (تودارو، ۱۳۷۸).

عدالت جزایی ضامن تحقق توسعه پایدار

از آن‌جا که شریعت به‌طور عام و دین اسلام به‌طور خاص ضمن جهت‌گیری به سمت مطلوب‌ها، واقعیات را نیز در نظر دارد و با توجه به این‌که همیشه افرادی برخلاف جهت فطرت اولیه خود حرکت می‌کنند، مجازات‌ها و پاداش‌هایی به منظور ضمانت اجرایی قوانین در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها که برخی در این دنیا و برخی نیز برای عالم آخرت پیش‌بینی شده، به خوبی می‌تواند جلو انحراف‌های احتمالی از تعادل در همه ابعاد و در عرصه اقتصاد را که حاصل آن تحقق توسعه پایدار است بگیرد. حرمت ظلم به دیگران و از بین بردن حقوق انسان‌ها و حتی دیگر گونه‌ها، ممنوعیت اسراف و اتراف و اتلاف و تأکید و سفارش فراوان به مستحباتی در حوزه‌های گوناگون، انگیزه‌های خوبی را برای ایجاد توسعه پایدار فراهم می‌سازد. در این دنیا نیز سازوکارهای پاداش و جزا در نظر گرفته شده که مکمل مطالب پیش‌گفته خواهد بود. بدیهی است که وجود دولتی قدرتمند در نظام اقتصادی اسلام، رکن اساسی این ضمانت خواهد بود.

ویژگی‌های توسعه پایدار

با توجه به تعاریف مطرح‌شده و همچنین تجربه اجرایی برخی کشورها، بر نکات قابل توجه برای رسیدن به پایداری تأکید می‌کنیم:

۱. توسعه یافتگی

نخستین ویژگی و به تعبیری لازمه توسعه پایدار، تحقق خود توسعه است تا از پایداری آن سخن رود. توسعه، جریان چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی داخل نظام، از حالت نامطلوب به زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق یابد (تودارو، ۱۳۷۸). در این تعریف، توسعه در نظام اجتماعی دیده شده و هدف آن سوق دادن افراد درون این مجموعه به سمت تعادل است. این هدف زمانی محقق می شود که منابع انسانی، فیزیکی و اقتصادی در دسترس به صورت کارآمد و در جهت رسیدن به این هدف تخصیص داده شوند.

استفاده کارآمد از منابع اقتصادی به معنای این است که هیچ گونه افراط و تفریطی در استفاده از آنان صورت نگیرد. رفتارهای بهره وران براساس عدل باشد و هیچ گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان صورت نگیرد. مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است، کارآمد بوده، و براساس اصل شایسته سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست های مدیریتی تکیه نکنند در این صورت، با توجه به وافی بودن منابع اقتصادی و این که خداوند متعال تمام آنچه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، به یقین، توسعه محقق خواهد شد.

عدالت به معنای عام آن به روشنی در تفسیری که از توسعه ارائه کردیم، خود را نشان می دهد. بدیهی است که توسعه در این معنا با مصرف گرایی و نیز رشد کمی در تولید ناخالص ملی ولو به قیمت ایجاد شکاف فراوان بین طبقات درآمدی و نیز از بین رفتن حقوق نسل های آتی سازگار نیست. توسعه یافتگی در این تفسیر، مقدمه ای برای رفاه عمومی است و رفاه مورد نظر مکاتب الهی نیز در برگیرنده ابعاد معنوی نیز خواهد بود و انسان در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خودساخته خود شده و دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه، بلکه با برخورداری از مواهب دنیا در کنار آینده روشن آخرتی، در مسیر عدالت، طی طریق می کند.

۲. انعطاف پذیری

در مسیر پایداری، نارسایی ها و موانعی از جانب استفاه کنندگان از آن پیش می آید. یکی از ویژگی های توسعه پایدار، ظرفیت جامعه در واکنش به این گونه موانع تحمیلی است و به تعبیری دیگر انعطاف پذیری یا قابلیت نظام برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره وری در بی نظمی های کوتاه یا بلندمدت است.

به صورت روشن، این ویژگی نیز همانند ویژگی پیشین در جهت استمرار تعادل موجود در عناصر طبیعت بوده و همان گونه که در توضیح آن گذشت، انعطاف پذیری قابلیت نظام اقتصادی به منظور مقابله با عدم تعادلها یا برگرداندن وضعیت به حالت تعادل است.

تأمل در قواعد، احکام الزامی و آموزه های اخلاقی، حاکی از توجه خاص به این ویژگی است و اصولاً یکی از رموز جاودانگی شریعت خاتم انعطاف پذیری در برابر وضعیت فردی، زمانی و مکانی است؛ البته این مطلب ضمن اعتراف به ثبات شریعت در محورهای اساسی آن است. در ارتباط با موضوع مقاله، کافی است به ساختار مالکیت در اسلام توجه کنیم. مالکیت خصوصی، ضمن محترم شمردن، در مواردی که نقض پایداری را در پی داشته باشد؛ محدود شود. مالکیت دولتی منابع اقتصادی، به انحصار دولتی نینجامیده، مانع از بهره برداری بخش خصوصی نمی شود. مباح بودن برخی از منابع نیز با نظارت دولت کنترل می شود. همچنین دو نهاد مهم امر به معروف و نهی از منکر درباره حفظ و نیز پایداری توسعه مؤثر خواهد بود و بار سنگین نظارت دولت را کاهش می دهد.

۳. ثبات

این ویژگی که در خود توسعه پایدار نهفته، به معنای استمرار داشتن ارمان توسعه در مدت زمان طولانی است؛ یعنی جامعه ظرفیت لازم را به منظور استفاده مداوم از فرایند سیستم های اقتصادی یا تغییر آن، بدون دگرگونی های شدید داشته باشد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱).

استمرار داشتن فرایند توسعه یا حفظ آن در وضعیت تعادل، نتیجه آموزه های فراوانی است که در شریعت مقدس به همین منظور مورد تأکید قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

شی (۲۰۰۱) در مطالعه خود که به بررسی انگیزه های کشورهای صنعتی و اقتصادهای اخیراً صنعتی شده که برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین پرداخته است و به این نتیجه رسیده که کشورهای صنعتی، تکنولوژی پیشرفته را در سرمایه گذاری مستقیم خارجی مورد استفاده قرار می دهند، زیرا آن ها می خواهند به بازارهای زیاد و بالقوه دسترسی پیدا کنند. اما در طرف مقابل کشورهای تازه صنعتی شده، تکنولوژی معمولی را در سرمایه گذاری مستقیم خارجی مورد استفاده قرار می دهند، زیرا هدف

آن‌ها استفاده از نهاده‌های کم‌هزینه مانند نیروی کار و زمین در کشور مقابل است تا از این طریق بتوانند کالاهای تولیدی خود را به کشورهای جهان سوم صادر نمایند و از هزینه‌های فزاینده تولید در کشور خود دوری نمایند.

سیکونی و پاپیانو (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "سرمایه انسانی، ساختار تولید و رشد"، به بررسی این نکته پرداختند که آیا سطوح بالای سرمایه انسانی بوسیله تسهیل فناوری، سریعتر با رشد اقتصادی سازگاری پیدا می‌کند؟ اگر چنین است کشورهایی با سرمایه انسانی بیشتر باید سریعتر با فناوری‌هایی که مهارت نیروی کار را اضافه می‌کند، سازگار شوند. تئوری‌های بین‌المللی به انباشت سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد در صنایع سرمایه‌بر اشاره دارد و سیکونی و پاپیانو نیز برای صنایع سرمایه‌بر ایتالیا، اثرات مثبت معنی‌داری از سطوح سرمایه انسانی و حجم سرمایه انسانی بر روی تولید و رشد اشتغال پیدا کردند. آن‌ها اثر سطوح سرمایه انسانی را بر روی رشد در صنایعی که به سرمایه انسانی حساس است، آزمون نمودند و دریافتند که رشد تولید در صنایعی که نسبت به آموزش کارکنان خود حساسیت زیادی نشان داده‌اند، از لحاظ آماری، بسیار بیشتر از صنایعی می‌باشد که به سطوح و کیفیت آموزش کارکنان خود اهمیتی نمی‌دهند و یا لاقلاً کمتر اهمیت می‌دهند.

راموس و دیگران (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان رشد اقتصادی منطقه‌ای و سرمایه انسانی، به بررسی نقش آموزش‌های تکمیلی پرداختند. مطالعه آن‌ها ارتباط بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی ناحیه‌ای را در اتحادیه اروپا و با استفاده از شاخص‌های مختلف سرمایه انسانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این تحقیق از شاخص‌های مختلفی از سرمایه انسانی که بوسیله آمارهای جزئی در سرشماری بدست آمده استفاده شده است. آن‌ها رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بر روی سطح داخلی تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیر سرمایه انسانی برای ۲۲۹ ناحیه اروپا، مورد ارزیابی قرار دادند و دریافتند که عملکرد اخیر اقتصادی در ناحیه اروپا، با افزایش در آموزش‌های تکمیلی ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، مقیاس‌های آموزش‌های تکمیلی به نظر می‌رسد که عملکردی قوی‌تر و مرتبط‌تری نسبت به مقیاس‌های سنتی موجودی سرمایه در یک اقتصاد ناحیه‌ای دارد. در یک چشم‌انداز سیاسی، نتایج آن‌ها به این نکته اشاره دارد که حتی وقتی کارگران ماهر برای پیدا کردن شغل مناسب ناتوان هستند، آن‌ها در سطح کل نسبت به همکاران غیر ماهر خود، بیشتر سودآور می‌باشند.

برنزیتن و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه خود به آزمون تجربی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرآیند انتشار تکنولوژی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش رشد اقتصادی در کشور میزبان می‌شود، اما این اثر بستگی به قدرت جذب کشور میزبان دارد که توسط سرمایه انسانی موجود در آن کشور تعیین می‌گردد. آن‌ها معتقدند که اثرات سودمند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی توسط کارایی بالاتری که این نوع سرمایه‌گذاری به خاطر تکنولوژی پیشرفته دارد، حاصل می‌شود نه صرفاً از طریق انباشت بیشتر سرمایه. همچنین آن‌ها بیان نمودند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از طریق انباشت سرمایه و منتقل کردن تکنولوژی مناسب که منجر به افزایش کارایی می‌شود، رشد اقتصادی را شدت بخشد. آن‌ها در مطالعه خود اثر مثبت اما نه چندان زیاد

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر سرمایه‌گذاری داخلی بدست آوردند. بنابراین از نظر آن‌ها این اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی که خود مشوق بیشتر رشد اقتصادی است، به عنوان اثر مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شود. بر اساس نتایج در صورتی که کشوری از سطوح خیلی اندک سرمایه‌گذاری برخوردار باشد، سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی آن کشور اندک و نزدیک به صفر است و با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی شدیداً افزایش می‌یابد.

روش تحقیق

در این مرحله به تفسیر ضرایب و معادلات برآوردی پرداخته خواهد شد. در این مطالعه این موضوع که سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند به عنوان کانالی برای افزایش رشد اقتصادی مورد مطالعه عمل نماید، مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در این مجموعه آزمون می‌شود. در این مطالعه از روش هم‌انباشتگی پدرونی جهت برآورد مدل استفاده شده است. بر اساس نتایج این آزمون که در جداول مربوط به هر مدل ارائه شده است، برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت صورت گرفته و نتایج جهت تحلیل ارائه شده است. بر اساس نتایج ارائه شده، مقادیر ضریب تعیین، آزمون F و آماره دوربین واتسون حاکی از اعتبار نتایج تخمین جهت تحلیل می‌باشد. نتایج جدول شماره (۱) نشان دهنده آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. بنابراین این سرمایه‌گذاری مستقیم از طریق انباشت سرمایه فیزیکی بصورت مستقیم منجر به افزایش رشد اقتصادی آن‌ها گردیده است. این موضوع حکایت از وجود محدودیت‌های سرمایه‌ای دارد. بطور مشابه در این مجموعه نیز اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری انباشتگی بر رشد اقتصادی در این مجموعه نیز اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری انباشتگی از طریق انتقال تکنولوژی‌های جدید و سرریزهای تکنولوژی وجود نداشته و این موضوع به عنوان عاملی بازدارنده در رشد اقتصادی این کشورها عمل می‌نماید. بر اساس نتایج جدول شماره (۱) اثر سرمایه‌گذاری مستقیم بر رشد اقتصادی دارای ضریب مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. بنابراین علامت این متغیر انتظارات تئوریک را برآورده می‌نماید از آنجایی که اکثر آماره‌های درآمد می‌باشند و امکان سرمایه‌گذاری بالا در بخش آموزش را فراهم می‌نماید بنابراین سطح سرمایه‌گذاری منجر به آن شده است که این متغیر اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته باشد. بطور مشابه در این مجموعه نیز اثر درجه توسعه یافتگی آن‌ها بر رشد اقتصادی آن‌ها مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

جدول (۱): برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت

متغیرها	ضرایب	آماره های t
Intercept	14.80221	1.293579(0.1984)
Log(initial GDP)	0.902708	2.138176(0.0346)

H	0.040609	2.644742(0.0093)
FDI	0.337931	3.914411(0.0002)
FDI*H	0.004673	5.254189(0.0000)
G	0.221306	1.250131(0.2137)
M	0.055762	2.446346(0.0159)
R squared: 0.405317	F statistic: 4.430192(0.000)	TotalObservations: 136
Durbin Watson stat: 1.755091	Hausman test: 44.810(0.000)	

در نظام نوآوری، تمرکز بر دست یابی به نرخ نوآوری بالا و توسعه شایستگی‌های رقابتی هست، اما سؤال این است که نوآوری برای چه؟ همچنین توجهی به اثرات مضر ممکن، حاصل از نوآوری است وجود ندارد. از این رو جالب است توجه کنیم که کمیسیون اروپا در مورد نیاز به مفهوم گسترده‌تر از نوآوری مخصوصاً هنگام توجه به تغییر دادن شرایط رقابتی اقتصاد دانش‌بنیان، بحث می‌کند. بر این اساس رویکرد آینده اتحادیه برای سیاست‌های نوآوری از نوآوری‌های فن آورانه به سمت نوآوری سازمانی و نوآوری ارائه است.

لاندوال، مفهوم نظام ملی نوآوری را بر مبنای تولید، یادگیری و انباشت دانش تعریف کرده و بیان داشته که در اقتصاد نوین و پویا، دانش اساسی ترین منبع و یادگیری یک فرایند بسیار مهم است. این رویکرد، برخلاف رویکردهای خطی، نوآوری را حاصل تعامل پیچیده بین بازیگران و نهادهای مختلف می‌پندارد که از طریق حلقه‌های بازخورد و طی یک فرایند یادگیری میسر است. در مرکز این نظام بنگاه‌ها قرار دارند که روش‌هایی را برای سازمان دهی تولید و نوآوری به کار می‌گیرند.

بسیاری از محققان به ظهور سبز شدن بازارها به عنوان بخشی از تغییر کلی پارادایمی تکنو اقتصادی از مسیر «مصرفی» به معنای بهره‌برداری کم از منابع اقتصادی در فعالیت‌ها، به سوی «مسیر کارآمدی منابع» که تمرکز بر استفاده بهینه از منابع اشاره کرده‌اند.

جدول ۲ چارچوب انتخاب ابزارهای سیاستی جهت توسعه فن‌آوری‌های سازگار را جهت دست‌یابی به توسعه پایدار نشان می‌دهد. هدف از ابزارهای سیاستی معرفی شده، تحریک درک و یادگیری متقابل درباره ارزش‌ها و باورهای سیستم، بهبود فرآیندهای پیش‌بینی، نوآوری فناورانه و انتشار آن، بازیافت و حفظ مواد و انرژی، تحریک فعالیت‌های تکاملی مشترک، یادگیری در مورد نوآوری‌های بنیادی، شکل دادن به انتظارات کسب و کار و هدایت تصمیمات راهبردی و یادگیری در مورد راه‌های پایداری است.

جدول (۲): چارچوب انتخاب ابزارهای اقتصادی جهت ترویج، توسعه و استفاده از نیروی انسانی

ابزار سیاستی	ویژگی‌ها
--------------	----------

<p>موثر (در هدایت صنعتی به مشکلات) است</p> <p>خطر مجبور کردن صنعت به سرمایه گذاری در فن آوری های بسیار گران و کم تر بهینه عادلانه (جلوگیری از فشار مضاعف به افراد کم درآمد)</p> <p>هنگامی که فرصت های فن آورانه ای در دسترس هستند که می توانند با هزینه پایین توسعه بیابند</p> <p>هنگامی که اجماع در مورد اجرای یک فن آوری مناسب وجود دارد</p>	<p>استانداردهای اجباری تکنولوژیکی</p>
<p>همانند استانداردهای اجباری فن آورانه است</p> <p>هنگامی که فرصت های فن آورانه وجود دارد و در مورد بهترین راه حل یک عدم اطمینان وجود دارد.</p>	<p>توافقات نوآوری</p>
<p>اغلب موثر است</p> <p>مقرون به صرفه (به دست آمدن منافع در کم ترین هزینه) است</p> <p>سبب تحریک صنعت برای ارتقاء در بهترین ترکیب برای انتخاب ورودی، تصفیه نهایی و کاهش خروجی می شود.</p> <p>یکسان سازی هزینه های حاشیه ای انتشار در شرکت های ناهمگن</p> <p>هزینه های نظارت و معامله نباید به خاطر بالا بودن مانع شود</p>	<p>مجوزهای قابل تجارت</p>
<p>عدم اطمینان در مورد موافقت صنایع و باید سیستم جریمه برای عدم توافق وجود داشته باشد</p> <p>هزینه های اداری کمی دارد</p> <p>در مورد بسیاری از مشکلات و بسیار از راه حل های فن آورانه</p> <p>هنگامی که نظارت بر عملکرد پرهزینه است</p>	<p>پیمان و قرارداد فناورانه</p>
<p>خطر حمایت از پروژه های درجه دوم</p> <p>خطر ثروت بادآورده برای دریافت کنندگان</p> <p>هنگامی که بازاری برای فن آوری هنوز وجود ندارد و در مورد سیاست های آینده عدم اطمینان وجود دارد</p> <p>زمانی که در مورد تخصیص سود و منافع حاصل از نوآوری مشکلاتی وجود دارد</p>	<p>یارانه به فعالیت های تحقیق و توسعه</p>

در مورد منافع بزرگ اجتماعی و منابع خصوصی ناکافی	
در تضاد با اصل پرداخت آلوده کننده خطر سودهای بادآورده در مواردی که مصلحت‌های سیاستی وجود دارد هنگامی که صنعت از یک رقابت نابرابر به دلیل قوانین آسانتر در دیگر کشورها رنج می برد	یارانه‌های سرمایه گذاری
ایجاد پایگاهی برای یادگیری و تعامل به منظور تنظیم و هماهنگی راه حل‌های فعالیت‌های وابسته که ممکن است برای نیازهای خاص طراحی شده باشد نیاز به درک فن آورانه محصولات و فرآیندها زمانی که شکست اطلاعاتی وجود دارد	مدیریت شبکه ای

همچنین تقویت جنبش های مدیریتی - اقتصادی جهت بحث در مورد مشکلات و راه حل ها و مطالعات آینده پژوهی پایداری جهت ایجاد انتخاب برای راه های رسیدن به پایداری و تغییر ایده های ثابت ضروری است.

نتیجه گیری

کاهش ناخواسته و بدون برنامه ریزی قبلی رشد اقتصادی، به طور مؤثر مشکلات را حل نمی کند، فقط می تواند به عنوان یک مسکن برای وضعیت وخیم جاری سودمند باشد. این کار خسارت هایی که قبلاً صورت گرفته را حذف و یا معکوس نمی کند و لزوماً از ادامه نرخ فعلی جلوگیری نمی کند. علاوه بر این، این نوع کاهش رشد اقتصادی می تواند بیش تر صدمه بزند تا کمک کند، برای نمونه سرمایه گذاری در فناوری های پاک به تعویق می افتد، سوخت های ارزان تر و آلوده تر جایگزین سوخت های پاک که گران تر هستند شود. علاوه بر این، تئوری اقتصاد رفاه، از یک نوع ایدئولوژی بازار حمایت می کند که به تمام اقدامات جدی سیاست هایی به جز آن هایی که در سبب «شکست بازارند» مقاومت می کند. از طرفی خود دولت ها نیز با نرخ های تنزیل بالا در سرمایه گذاری های عمومی نشان داده اند که بیش از حد بر مسایل کوتاه مدت متمرکز شده اند.

با این که دلایل خوبی برای تردید در مورد توانایی رشد اقتصادی برای ایجاد رفاه زندگی وجود دارد، با این حال، با در نظر گرفتن نظرات مختلف تا زمانی که اثر مثبت، اگرچه کوچک، از رشد بر رفاه وجود دارد، رشد اقتصادی ممکن است به عنوان یک هدف سیاستی مورد دفاع قرار گیرد. به دلایل روشن خصوصاً در کشورهای کم درآمد، ایجاد گسترده بستری قانع کننده برخلاف رشد به رغم اثرات منفی کاملاً واضح مشکل است و حتی در تعریف آمارتیا سن از رفاه که به عواملی چون حقوق و آزادی، نیاز به غذا

و سرپناه و همچنین دسترسی به آموزش و یادگیری وابسته است، با وضعیت فعلی توزیع منابع قابل درک نمی باشد و به رشد اقتصادی برای ارابه همچنین حقوق و آزادی هایی نیاز خواهد بود.

باید در نظر داشت که توسعه پایدارتر هنوز از مسیرهای مختلفی مانند نوآوری، افزایش بازدهی برداشت از منابع موجود و توسعه فرآیندهای جدید با نیاز کم تر برای هر واحد تولید، تغییر محل فعالیت های اقتصادی با هدف کاهش حمل و نقل، تولید مواد مصرفی بادوام تر و با قابلیت بازیافت بیشتر، جایگزینی منابع و گسترش فعالیت های تولیدی با وابستگی کمتر به منابع اقتصادی ممکن است و ما برای رسیدن به محدودیت های فیزیکی و اقتصادی که رشد این گونه فعالیت ها را محدود می کنند هنوز زمان داریم، اما در نهایت به سرعت در حال رسیدن به حد رشد عملیاتی هستیم و در آن نقطه ظرفیتی برای برداشت خالص بیش تر از طبیعت وجود ندارد. این در حالی است که بخش بزرگی از منابع اقتصادی هم به دلیل محدودیت های حاکم، قابل جایگزینی با سرمایه صرف نیست و ظرفیت برد طبیعت در دریافت ضایعات نیز نامحدود نیست. در حقیقت سؤال اساسی این که چند مرتبه امکان افزایش مقدار ارزش استخراج شده از یک واحد از منابع اقتصادی در یک محدوده زمان خاص به عنوان یک نتیجه از بهبود فناوری در ترکیب با تغییرات ارزش ها، نهادها، سیاست ها و الگوهای مصرف وجود دارد؟ و آیا این جدا کردن رشد اقتصادی کافی است؟ بنابراین به نظر می رسد، چاره ای جز آن که از بخشی از «رشد امکان پذیر»، دست بکشیم وجود ندارد هر چند در نهایت رشد هنوز ممکن است.

منابع

- [۱] داوودی، پرویز و شاهمرادی، اکبر، (۱۳۸۳)، بازشناسی عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۰
- [۲] طیبی، سید کمیل، کریم آذربایجانی و روح الله بابکی، (۱۳۸۷)، "اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه"، مجله ی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد: ۳۱، شماره: ۳
- [3] Asafu-Adjaye, J., 2005. Environmental Economics for Non-Economists: Techniques and Policies for Sustainable Development. World Scientific Pub Co. 392 p
- [4] Khaki, Gh., 2012. Research methodology: thesis-writing approach. Baztab Publication, Tehran. 498 p. (In Persian)
- [5] Mohammad-Rezaei, Sh., Yavari, A., 2003. A system approach to ecosystem analysis, Tehran: Aiyj. 152 p. (In Persian)
- [6] Mohammadi Ashnani, M.H., Mohammadi Ashnani, A., Hasani, E., A Proposal for a Comparative Assessment Process and Environmental Planning for Sustainable Rural Development in Iran. Journal of village and development, Vol. 11(In Persian)

- [7] United Nations (UN), 2002, Johannesburg Declaration on Sustainable Development. United Nations World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, South Africa
- [8] Narimani, M., 2014. Paradigmatic survey of innovation and evolutionary economic studies: Is an emerging paradigm on the way?. Journal of Science and Technology Policy Letters, Vol. 3 (In Persian)
- [9] Commoner, B., 1972. The environmental cost of economic growth. In Population, Resources and the Environment, Washington DC: U.S.: Government Printing Office
- [10] Souzanchi Kashani, E., 2011. Knowledge Based Economy: Approaches, Foundations and Implications. Journal of Science and Technology Policy Letters, Vol. 1 (In Persian)
- [11] Kemp, R., Andersen, M.M., 2004. Strategies for eco-efficiency innovation: Strategy paper for the Informal Environmental Council Meeting, July 16-18, Maastricht, VROM, Den Haag
- [12] Deacon, R.C.N., 2006. Does the Kuznets Curve Describe How the Individual Country Behave. Journal of Land Economics, Vol. 82
- [13] Borensztein, E, De Gregorio, J, Lee, J.-W, (1998), How does foreign direct investment affect economic growth?, Journal of International Economics, Vol: 45(1)
- [14] Findlay, R. (1978) "Relative Backwardness, Foreign Direct Investment, and Transfer of Technology: A simple Dynamic model" The quarterly journal of Economics, vol 92, No 1: 1-16
- [15] Ford, J. and Slater, J. (2001) "FDI, Regional Economics integration and Endogenous Growth, Some Evidence From South east Asia", Pacific Economic Review 6(3)
- [16] Grossman, G., Helpman, E., (1991) "Innovation and Growth in the Global Economy", MIT Press Cambridge, MA
- [17] Ramos, R., Surinach, J. and Artis, M. (2009) "Regional Economic Growth and Human Capital: The Role of Overeducation", IZA DPNO, 4453
- [18] Sawada, N. (2004) "Technology Transfer, spillover and Growth through FDI in Developing countries: An Endogenous Growth Approach". Discussion paper, the university of Hawaii-Manoa, USA
- [19] Shi, V. (2001) "Technological Capabilities and International Production Strategy of firms: The case of FDI in China", Journal of world Business. Vol 36, Issue 2